

نور فاطمه (علیها السلام) از نور خداست

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: هنگامی که خداوند متعال خواست بهشت را بیافریند آن را از نور وجه خویش خلق کرد، سپس آن را گرفته به سوی ما افکند. یک سوم آن نور به من رسید و یک سوم آن به فاطمه (علیها السلام) و یک سوم دیگر به علی و خاندانش اصابت کرد. از آن نور به هر کسی که چیزی تابیده شده باشد به ولایت آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) راه پیدا می کند و هر کس از آن نور چیزی به او نرسیده باشد، از ولایت خاندان محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) منحرف و گمراه می شود. (۱)

پروردگارا! این نور از چیست؟

جابر بن عبدالله از امام صادق (علیه السلام) سؤال کرد: برای چه فاطمه (علیها السلام)، زهراء نامیده شد؟ آن حضرت فرمودند: برای اینکه خداوند فاطمه (علیها السلام) را از نور با عظمت خویش خلق کرده، پس، چون نور فاطمه (علیها السلام) طلوع کرد آسمانها و زمین به واسطه نور او منور شدند، چشم ملائکه از آن نور خیره شد و از عظمت پروردگار به سجده افتادند و گفتند: پروردگارا، این نور از چیست؟ خداوند به آنان وحی نمود که این نور از نور من است، آن را در آسمان جای دادم و از عظمت و جلال خود او را خلق کردم و از صلب بزرگترین پیامبران خود او را خارج خواهم ساخت. از همین نور جانشینان او را بیرون می آورم، همانهایی که امر مرا بر پای می دارند و مردم را به سوی من هدایت می کنند و جانشینان و حاکمان من در زمین خواهند بود. (۲)

نام زهراء خار را گل می کند

نام زهراء زنگ از دل می برد

نام زهراء کشتی ما را به ساحل می برد

نام زهراء در دل و جان من است

نام زهراء روح ایمان من است

آفرینش نور فاطمه (علیها السلام)

پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: نور فاطمه (علیها السلام) قبل از آفرینش آسمانها و زمین خلق شده و چون آدم خواست از بهشت هبوط کند نور فاطمه (علیها السلام) به سببی تابیدن گرفت و با تناول آدم از آن سبب، در صلب او قرار گرفت. نور فاطمه در اصلا بآء طاهره و ارحام امهات طویه نقل می شد تا اینکه جبرئیل برای من سببی آورد و با خوردن آن سبب نطفه فاطمه (علیها السلام) بسته شد. (۳)

بر این اساس است که در روایتی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده که می فرمود: من هر وقت مشتاق بوی بهشت می شوم فاطمه (علیها السلام) را می بوسم.

درخشندگی بانویی در بهشت

وقتی که خداوند آدم را خلق فرمود، در بهشت چشم آدم به بانویی افتاد که درخشندگی و نورانیتش بی نظیر بود. این بانو در حالی که بر سر، تاجی از طلا و مرصع به جواهر داشت چنان زیبا می نمود که آدم زیباتر از وی مشاهده نکرده بود. پس سؤ ال کرد: پروردگارا! این بانو کیست؟ فرمود: فاطمه دختر محمد (صلی الله علیه و آله و سلم).

سؤ ال کرد: شوهر او کیست؟

خداوند به جبرئیل فرمان داد، در قصری از یاقوت را به روی وی بگشاید، وقتی که جبرئیل در را گشود آدم در آن قبه ای از کافور (به خوشبونی کافور) دید و تختی از طلا که بر روی آن جوانی به زیبایی یوسف نشسته بود. پس فرمود: این جوان شوهر او، یعنی علی بن ابیطالب است. (۴)

فاطمه (علیها السلام) جزئی از لولاک لما خلقت الافلاک

جابر بن عبدالله انصاری می گوید که:

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: جبرئیل بر من نازل شد و گفت، خداوند می فرماید:

یا احمد لو لاک لما خلقت الافلاک، و لولا علی لما خلقتک و لو لا فاطمة لما خلقتکما

((ای احمد! اگر تو نبودی موجوات را نمی آفریدم و اگر علی نبود تو را نمی آفریدم و اگر فاطمه نبود شما دو نفر را نمی آفریدم.))

هر چه هست به افتخار وجود فاطمه (علیها السلام) و پدرش و همسرش و فرزندان اوست. (۵)

نام فاطمه (علیها السلام) در توبه حضرت آدم

در کتابهای تفسیری در ذیل آیه تعلق آدم من ربه کلمات فتاب علیه انه هو التواب الرحیم (۶) روایاتی ذکر شده است، مبنی بر اینکه این کلمات، چه کلماتی بوده اند. از جمله در ((الدر المنثور)) از ابن عباس نقل شده است که: از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) درباره کلماتی که آدم از پروردگارش دریافت نمود و خداوند توبه او را پذیرفت پرسیدم، فرمود: آدم از خداوند به حق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین (علیهم السلام) در خواست کرد که توبه او را بپذیرد و خداوند هم پذیرفت (۷).

دستور جبرئیل برای دوری از خدیجه

پیامبر در ((راطح)) (۸) نشسته بود که جبرئیل همانند آغاز بعثت در شکل و صورت اصلی اش در حالی که پرها و مشرق و مغرب جهان را فرا گرفته بود بر آن حضرت فرود آمد. این گونه ظهور و طلوع جبرئیل، نشان از وقوع کاری بزرگ و امری عظیم داشت. جبرئیل حضرت را صدا زد و گفت: ای محمد! خداوند علی اعلی، سلام می رساند و امر می فرماید که چهل روز از خدیجه همسرت کناره گیری کنی.

اعتکاف چهل روزه حضرت در خانه فاطمه بنت اسد، شب زنده داری، روزه های مکرر و کنارگیری از مردم و همسرش، شباهتی به

دوران آغاز نزول وحی و بعثت داشت. بر خلاف سنت همیشگی بستن در بر روی دیگران در هنگام افطار شب چهلم و به تنهایی از طعام آسمانی خوردن و توجه و حرکت به سوی خانه خدیجه و ترک سنت در تطهیر و وضو گرفتن و نماز قبل از خوابیدن، همه اینها نشان از وقوع امر بزرگ بود.

نطفه نکوین فاطمه (علیها السلام) از غذای بهشتی بود

علامه مجلسی در جلد ششم بخار آورده است:

جبرئیل امین نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد و عرض کرد: یا محمد! خداوند علی اعلی سلامت می رساند و به تو فرمان می دهد که به مدت چهل شبانه روز از همسرت خدیجه دوری گزینی. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) پس از صدور این دستور از سوی خداوند متعال با وجود علاقه زیاد خود به خدیجه، چهل شبانه روز، در حالی که روزها روزه و شبها به عبادت می ایستاد از خدیجه کنارگیری نمود و به توسط عمار یاسر برای همسرش پیام فرستاد که:

ای خدیجه! کناره گیری من از تو به جهت بی اعتنائی و یا اینکه تو را رها کرده باشم نیست، بلکه به جهت امتثال فرمان پروردگارم است. تو ای خدیجه این موضوع را بر خیر و نیکی حمل نما، زیرا که خدای متعال به وجود تو بر فرشتگان مقربش در هر روز افتخار می کند. به هنگام شب در خانه را ببند و استراحت کن، من در منزل فاطمه بنیت اسد به سر می برم.

پس از گذشت چهل روز جبرئیل فرود آمد و گفت: ای محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)! پروردگار علی اعلی سلامت می رساند و می فرماید که خود را برای تحفه و تحفه او آماده سازی! رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: ای جبرئیل! تحفه حضرت ((رب العالمین)) چیست؟ جبرئیل پاسخ داد: من نمی دانم. در این هنگام میکائیل شرفیاب حضور پیامبر شد، در حالی که طبقی به همراه داشت و روی آن دستمالی از دیا بود. پس آن طبق را در برابر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نهاد و جبرئیل پیش آمد و عرض کرد: ای محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)! پروردگار امر می کند که امشب از غذای موجود در این طبق افطار کنی!

علی (علیه السلام) می فرمایند: پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) هر شب به هنگام افطار به من می فرمودند که در خانه را باز بگذارم تا هر که نیازمند غذا است بتواند داخل خانه شده و غذا بخورد، ولی در آن شب فرمودند: بر در منزل بنشین و مانع ورود افراد به خانه شو، زیرا این غذا جز من بر هر کسی حرام است.

علی (علیه السلام) می فرمایند: پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دستمال روی طبق را برداشت و در آن خوشه ای خرما تاز و خوشه ای انگور بود. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) از آن غذا به تنهایی سیر میل فرموده و آب گوارا نوشیدند، سپس دست خویش را برای شستن دراز فرمودند. جبرئیل بر دست ایشان آب می ریخت، میکائیل می شست و اسرافیل خشک می کرد. باقی مانده غذا به همراه ظرف به آسمان برده شد.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) برخاستند تا نماز گزارند. جبرئیل گفت: امشب نماز اول وقت بر شما حرام است تا به منزل خدیجه در آئید. خدای تعالی به ذات خود سوگند خورده است که از صلب شما امشب فرزندی پاک و پاکیزه ایجاد فرماید. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به سرعت به سوی منزل خدیجه آمدند.

خدیجه می گوید: در آن شب بین خواب و بیداری بودم که صدای در را شنیدم. صدا کردم کیست که در را می کوبد؟ ناگاه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) با سخن دلنشین و لحن زیبای خود فرمودند: خدیجه باز کن من محمدم. خدیجه می گوید: برخاستم در حالی که بسیار خوشحال و شادمان بودم، در را باز کردم و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) وارد شدند. ایشان عادت داشتند هر وقت وارد منزل می شدند ظرفی می خواستند، وضو می گرفتند و نماز می خواندند، آنگاه استراحت می کردند. ولی در آن شب نه ظرفی برای وضو خواستند و نه آماده برای خواندن نماز شدند، بلکه بلافاصله به بستر آمدند. سوگند به آنکس که آسمان را بر افراشت و آب را جاری نمود، در آن شب رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) از من دور نشد مگر اینکه سنگینی حمل فاطمه (علیها السلام) را در خویشتن احساس کردم. (۹)

سبب بهشتی

نقل کرده اند که: روزی حضرت خدیجه (علیها السلام) از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) درخواست نمود که چیزی از میوه های بهشتی را به او نشان دهد. جبرائیل دو سبب از بهشت نزد آن بزرگوار آورده و گفت: ای محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)! خداوندی که برای هر چیز اندازه ای مقدر کرده است می فرماید: یکی از این دو سبب را خودت بخور و سبب دیگر را به خدیجه بده، من از شما دو نفر فاطمه زهراء (علیها السلام) را می آفرینم. پیامبر نیز طبق دستور خداوند متعال عمل کرد. (۱۰)

همدم تنهایی مادر

از امام صادق (علیه السلام) درباره چگونگی ولادت فاطمه (علیها السلام) پرسیدند، آن حضرت فرمود:

بعد از آنکه خدیجه با رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) ازدواج کرد، زنان مکه از او دوری جسته و به خانه او رفت و آمد نمی کردند و از سلام کردن به او خودداری می کردند و مانع ارتباط زنان دیگر نیز با خدیجه (علیها السلام) می شدند. خدیجه از این رفتار آنان به وحشت افتاده و بسیار غمگین و افسرده بود، البته نه از ترس جان خودش، بلکه بیم او از خطری بود که جان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را تهدید می کرد. اما هنگامی که به فاطمه (علیها السلام) حامله شد، فاطمه (علیها السلام) در رحم مادر با او سخن می گفت و او را دعوت به صبر می کرد و به او آرامش می داد.

خدیجه (علیها السلام) سخن گفتن فاطمه (علیها السلام) را از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) مخفی داشته بود. روزی رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بر خدیجه وارد شد، شنید که خدیجه (علیها السلام) با کسی سخن می گوید: پرسید: ای خدیجه با چه کسی سخن می گفتی؟ خدیجه می گفتی؟ خدیجه عرض کرد: یا رسول الله! جنینی که در رحم من است با من سخن می گوید و مونس تنهایی من شده است. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: ای خدیجه! اکنون این جبرئیل است که مرا بشارت می دهد که این طفل دختر است و اصل و ریشه پاک و پاکیزه من می باشد، خداوند تبارک و تعالی نسل مرا از او قرار می دهد و بعد از اتمام وحی از سلسله اولاد او پیشوایان و جانشینانی در زمین بر می گزیند. (۱۸)

برخیز ای مادر!

روزی حضرت خدیجه نماز می خواند، اشتباهها خواست در رکعت سوم سلام دهد، فاطمه (علیها السلام) از درون شکم، وی را ندا داد:

قومی یا امه، فانک فی الثالثة

برخیز ای مادر! تو در رکعت سوم می باشی.)) (۱۲)

مادر جان محزون مباحث

هنگامی که کافران از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) خواستند که شکافته شدن ماه را به آنها نشان دهد، زمانی بود که خدیجه به فاطمه زهراء (علیها السلام) حامله بوده و این موضوع بر همگان مشخص شده بود. (چند روزی پیش به تولدش نمانده بود) که خدیجه با خود می گفت: زهی تاءسف و اندوه، چه بسیار زیانکار است آن کسی که منکر رسالت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) شود و حال آنکه او بهترین فرستاده پروردگار من است. در این هنگام فاطمه (علیها السلام) از درون شکم، وی را صدا زده و گفت: مادر جان! محزون مباحث و نترس! همانا خداوند با پدرم می باشد و یاور اوست. (۱۳)

سلام خدا و جبرئیل بر مادر فاطمه

از حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) منقول است که حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود که: چون جبرئیل مرا به معراج برد و برگردانید، گفتم: ای جبرئیل! آیا حاجتی داری؟ گفت: حاجت من آن است که خدیجه را از جانب خدا و از جانب من سلام برسانی.

پس چون حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) سلام جبرئیل را رسانید، خدیجه گفت:

الله السلام، و منه السلام، و الیه السلام

خدا را است سلام و از او است سلام و به سوی اوست سلام و بر جبرئیل سلام باد.

در روایات دیگر نقل شده است که: هرگاه جبرئیل نازل می شد و خدیجه حاضر نبود او را سلام می رسانید. (۱۴)

خشم پیامبر به خاطر توهین به خدیجه (علیها السلام)

حضرت امام صادق (علیه السلام) می فرماید:

روزی رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) وارد منزل شد، عایشه را دید که مقابل حضرت زهراء (علیها السلام) ایستاده و با او به تندی حرف می زند و می گوید: ای دختر خدیجه! تو گمان می کنی مادرت بهتر از من است؟ چه فضیلتی بر من دارد؟ او زنی مثل ما بود رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) سخن عایشه را شنید، وقتی فاطمه چشمش به پدر افتاد، شروع به گریه کرد. پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: فاطمه جان! چرا گریه می کنی؟ عرض کرد: عایشه به مادرم توهین کرد. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) خشمناک شد و فرمود: عایشه ساکت شو! خداوند متعال زنها را با محبت و بچه دار را مبارک قرار داده است.

خدیجه برای من فرزندی مثل طاهر و قاسم و فاطمه (علیها السلام) و رقیه و ام کلثوم و زینب آورده است، ولی خدا تو را عقیم و نازا قرار داده است. (۱۵)

نازل شدن سوره کوثر

ابن عباس می گوید:

سوره کوثر درباره ((عاص بن وائل سهمی)) نازل شد و این موقعی بود که: روزی رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) از مسجد بیرون می آمد و (عاص بن وائل) در نزدیکی بنی سهم با آن حضرت ملاقات و گفتگو کرد. این در حالی بود که عده ای از بزرگان قریش در مسجد نشسته بودند. چون عاص داخل مسجد شد، گفتند: با چه کسی صحبت می کردی؟ گفت: با این ابتر. این ماجرا زمانی رخ داد که عبدالله فرزند رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و خدیجه از دنیا رفته بودند.

غم از دست دادن عبدالله و زخم زبان مشرکین، قلب ایشان را آزرده کرد، اما فرشته وحی که همواره آرامش دهنده قلب رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) بود نازل شد و پیامبر را بشارت داد که ای محمد! پروردگار مهربان به سوی تو سرچشمه برکات و خیرات را نازل خواهد کرد و دشمن تو را که بر تو جسارت کرده است خوار و ذلیل نموده و ابتر قرار می دهد. پس پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به شکرانه این وعده الهی نماز گذارد و پروردگار را بر این نعمت با برکت ستود. (۱۶)

در جواب آنکه گوید، ابتر است

گو که زهرایم ز عالم برتر است
او عطای رب الارباب من است

مادر اولاد و انساب من است
نسل زهراء برترین نسلهاست

ریشه او بهترین اصلهاست
هر که گوید نسل پیغمبر کجاست

گو درون نسل پاک مرتضی است
کوثر چیست؟

وقتی که سوره کوثر بر پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) نازل شد، علی بن ابی طالب (علیه السلام) به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) عرض کرد: ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)! کوثر چیست؟ حضرت فرمود: نهری است که خداوند به من کرامت نموده است.

علی (علیه السلام) عرض کرد: این نهر گرانقدر است، پس برای ما توصیف کن ای رسول خدا؟ حضرت فرمود: آری ای علی، کوثر نهری است که از زیر عرش خدای عزوجل جاری است، آبش از شیر سفیدتر و از عسل شیرین تر و از کره نرم تر است، سنگریزه هایش زبرجد و یاقوت و مرجان، گیاهش زعفران، خاکش مشک خوشبو و پایه هایش به زیر عرش خداوند استوار است.

پس رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) دست به پهلوی امیرالؤمنین علی (علیه السلام) زد و فرمود: علی جان این نهر از آن من و تو و دوستان تو پس از من خواهد بود. (۱۷)

سخن فاطمه (علیها السلام) به هنگام تولد

فاطمه زهراء (علیها السلام) در آخرین ساعات روز جمعه، بیستم جمادی الثانی، سال پنجم بعثت به دنیا آمد.

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: هنگامی که وجود مبارک فاطمه (علیها السلام) به زمین رسید نوری از آن وجود نازنین ساطع گردید که پرتو آن به تمام خانه های مکه داخل شد، به حدی که همه مکه را روشن کرد. همزمان با آن در آسمان نیز نور روشنی پدیدار گشت که ملائکه و فرشتگان آسمان پیش از آن نوری به این زیبایی ندیده بودند.

به مبارکی تولد فاطمه (علیها السلام) ده فرشته از فرشتگان زیبا روی پروردگار - در حالی که در دست هر کدام تشطی از ظروف بهشتی که پر بودند از آب کوثر قرار داشت - به حضور فاطمه (علیها السلام) شرفیاب شدند و از آن آب به ایشان نوشانده و غسلش دادند.

سپس دو جامعه زیبای سفید، از شیر سفیدتر و از مشک و عنبر خوش بوتر، یکی را به بدن نازنین فاطمه (علیها السلام) پیچیدند و جامعه دیگر را مقنعه او قرار دادند.

آنگاه فاطمه (علیها السلام) را دعوت به سخن گفتن کردند. فاطمه شروع به سخن گفتن کرد و گفت: شهادت می دهم که پروردگار و آفریننده من، کسی نیست مگر خدای بزرگ و بی همتا، گواهی می دهم به اینکه پدرم سید و سرور برگزیدگان خدا و رسول خدا است و اقرار می کنم به اینکه همسر و جانشین رسول خداست و فرزندانم (حسن و حسین (علیهما السلام)) دو سبط رسول خدایند. پس از آن فاطمه (علیها السلام) بر هر یک از آن چهار زنانی که خدیجه را در امر زایمان مساعدت کرده بودند با بردن نام ایشان سلام داد و آنها نیز با شادمانی پاسخ دادند. (۱۸)

فاطمه (علیها السلام) رشد جسمانی خود را آغاز کرد به طوری که در هر روز به اندازه یک هفته و در هفته به اندازه یک ماه و در یک ماه به اندازه یک سال کودکان دیگر رشد می کرد.

زلزله بزرگ در لحظه ولادت فاطمه (علیها السلام)

حضرت علی (علیه السلام) فرمود:

در شب تولد نور پاک فاطمه، زلزله عظیمی در مکه اتفاق افتاد که سنگهای بزرگی از کوه ابوقیس جدا شد و بر زمینهای پست و بلند می غلطیدند. آن قدر این زلزله ادامه داشت که ابوطالب بر بالای بلندی رفت و به خداوند عرض کرد:

الهی و سیدی اساءلک بالحمدية المحمودية و بالعلوية العالیة و بالفاطمية البیضاء الا تفضلت علی اءهل التهامة بالرحمة و الرءافه. ((ای خدا و آقای من! به مقام حمد شده محمدی و مقام بلند علوی و مقام درخشان فاطمی از او درخواست می کنم که بر اهل مکه بوسیله رحمت و مهربانیت تفضل و احسان نمایی.))

به این ترتیب ابوطالب در پیشگاه خداوند به ساخت مقدس پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و علی و فاطمه (علیهما السلام) توسل جست و از برکت نام ایشان همان لحظه زمین مکه آرام شد. (۱۹)

پس از آن مرم آن کلمات را حفظ کرده و در شداید و بلاها می خواندند ولی جهت آن را نمی دانستند.

کمک کردن زنان بهشتی در تولد فاطمه (علیها السلام)

طبری در ((ذخائی العقبی)) از خدیجه (علیها السلام) نقل می کند که فرمود:

زمانی که لحظه تولد فرزندم نزدیک شد به سراغ قابله های قریش فرستادم، تا مرا در امر زایمان مساعدت کنند، ولی چون همسر محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) بودم از آمدن امتناع ورزیدند. در همین هنگام چهار زن بر من وارد شدند که جمال، زیبایی و نورانیت آنان قابل توصیف نیست!

یکی از آنان گفت: من مادر تو حوا هستم. دسیگری گفت: من آسیه دختر مزاحم هستم. سومی خود را کلثم یا کلثوم خواهر موسی معرفی کرده و چهارمی گفت: من مریم دختر عمران، مادر عیسی هستم، آمده ایم تا در امر زایمان، تو را کمک کنیم.

پس از آنکه فاطمه (علیها السلام) به دنیا آمد نور جمالش فضا را روشن و منور ساخت و بر آنان با ذکر نامشان سلام کرد و در همان لحظه تولد به یگانگی خداوند، رسالت پدرش، امامت شوهر و فرزندانش شهادت داد. (۲۰)

چه خوب سروده است شاعر:

خجلا من نور بهجتها

تتواری الشمس بالشفق

از خجالت درخشش نور او خورشید، هر بامداد در پوشش شفق، پنهان می شود.

و حیاء من شمائلها

یتغلی الغصن بالورق

و از شرم شمایل و اوصاف او شاخه های درختان، خود را به زیر برگها گشیده و قامت خود را بدان پوشیده و پنهان می دارند.

اعمال روز تولد حضرت فاطمه (علیها السلام)

در مفاتیح الجناح شیخ عباس قمی (رحمة الله علیه) آمده است که:

سال پنجم یا دوم از بعثت ولادت و با سعادت حضرت فاطمه زهراء (علیها السلام) واقع شده و در آن روز چند عمل مناسب است. اول: روزه

دوم: خیرات و صدقات بر مؤمنین.

سوم: زیارت آن حضرت که چنین است:

یا ممتحنة امتحنک الله الذی خلقک قبل ان یخلقک، فوجدک لما امتحنک صابرة، و زمعنا انا لک اولیاء و مصدقون، و صابرون لکل ما اتانا به ابوک، و اتی به وصیه، فانا نستلک ان کنا صدقناک الا الحقنا بتصدیقنا لهما لنبشر انفسنا بانا قد طهرنا بولایتکو مستحب است در ادامه بگوید: اسلام علیک یا بنت رسول الله، السلام علیک یا بنت نبی الله...

((ای آنکه خدایی که تو را خلق کرد پیش از خلقت بیازمود و در آن آزمایش بر هر گونه بلا و مصیبت تو را شکیا و بردبار گردانید و ما چنین پنداریم که دوستان شما هستیم و مقام بزرگی شما را تصدیق می کنیم و بر هر دستور و تعلیمات الهی که پدر شما و وصیت که درود حق بر او باد برای ما آورد صبور و مطیع خواهیم بود پس ما در خواست می کنیم هرگاه که مصدق و مؤ من به شما هستیم که ما را به واسطه این تصدیق به رسول و وصیت خدا به شما ملحق فرماید تا به ما مژده رسد که بواسطه دوستی شما ما را از گناهان پاک سازد.))

نام فاطمه (علیها السلام) را خدا بر او نهاد

از امام باقر العلوم (علیه السلام) روایت کرده اند که:

زمانی که فاطمه زهراء (علیها السلام) پا به جهان نهاد خدای متعالی فرسته ای را امر فرمود تا این نام (فاطمه) را بر زبان رسول مکرر جاری نماید، سپس خداوند خطاب به فاطمه (علیها السلام) فرمود: من شیر را به وسیله علم در وجود تو قطع کردم (۲۱) و تو را از ناپاکی باز داشتم. امام باقر (علیه السلام) در ادامه می فرمایند: والله خدای تبارک و تعالی این بانو را از علم مملو ساخت و او را از ناپاکیهای زنان در میثاق ذر (که خداوند از همه خلایق پیمان پاک گرفت) (۲۲) پاک و پاکیزه تر قرار داد.

فاطمه حوریه ای انسان نما

از امام صادق (علیه السلام) روایت است که رسول خدا (علیه السلام) فرمود: ای مردم آیا می دانید چرا فاطمه (علیها السلام) آفریده شده است؟ عرض کردند: خدا و رسول او بهتر می دانند پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

خلقت فاطمة حوراء انسية لا انسية.

((فاطمه یک بانوی بهشتی انسانی است اما انسان نیست)).

او از عرق جبرئیل و موههای ریز او آفریده شده است. سپس فرمود: آن زمان که من به معراج رفتم جبرئیل سیبی از بهشت از طرف پروردگار برای من هدیه آورد، جبرئیل آن سیب را به سینه خود چسباند به طوری که عرق سیب و عروق جبرئیل یکی شده بود. آنگاه بر من سلام کرد و من جواب دادم. جبرئیل گفت: خداوند این سیب را از بهشت برای تو هدیه فرستاده، آن را بخور. پس من آن را شکافتم، ناگهان نور درخشانی از آن درخشید که من از آن در شگفت شدم. جبرئیل گفت: بخور ((این نور منصوره، فاطمه می باشد، گفتیم: منصوره چه کسی است.؟ جبرئیل گفت: بانویی است که از صلب تو خارج می گردد. نام او در آسمان منصور و در زمین فاطمه است. (۲۳)))

۱- فاطمه زهرا، شادمانی دل پیامبر، ص ۷۹، به نقل از بحار، ج ۴۳ ص ۴۴

۲- ریحانه خانه وحی، ص ۱۸۲ / به نقل از علل الشرایع، ص ۱۷۹

۳- چهاده معصوم، ص ۲۲۷

۴- فاطمة الزهراء من المهد الى اللحد، ص ۷۰، به نقل از: کتاب نزهة المجالس ج ۲، ص ۲۲۳.

۵- رنجها و فریادهای فاطمه، ترجمه بیت الاحزان، ص ۸ به نقل از: عوالم العوم، ص ۲۶.

۶- ((سپس آدم از پروردگار کلماتی دریافت داشت (و به آنها توبه کرد) و خداوند توبه او را پذیرفت، چرا که خداوند توبه پذیر و مهربان است.)) بقره / ۳۷.

۷- الدر المنثور.

۸- محلی میان مکه و مدینه

۹- فاطمه زهراء از ولادت تا شهادت، ص ۵۱.

۱۰- فاطمه زهراء (علیها السلام) شادمانی دل پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، ص ۸۲.

۱۱- روضة الواعظین، ص ۱۴۳.

۱۲- فاطمه زهراء شادمانی دل پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، ص ۴۳۹ به نقل از: احقاق الحق ج ۵، ص ۱۱۷.

۱۳- فاطمه زهراء از ولایت تا شهادت، ص ۵۷ به نقل از: روض لفائق: ص ۳۱۴.

۱۴- تفسیر عیاشی، ۲/۳۷۹

۱۵- بحارالانوار، ج ۱۶ ص ۳.

۱۶- ریحانه خانه وحی، ص ۱۲۴.

۱۷-۱۰۰۱ داستان از زندگانی علی (علیه السلام)، ص ۲۰۴. به نقل از: امالی شیخ مفید.

۱۸- بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۸۰

۱۹- ریاحین الشریعه: ج ۱ ص ۵۸.

۲۰- فاطمه الزهراء من المهد الى اللحد، ص ۶۱.

۲۱- عبارت چنین است، ((انی فطمتک بالعلم)) یعنی وقتی که طفل را از شیر مادر جدا می کنند به جای شیر مادر به او غذایی کمکی می دهند تا شیر خوردن را ترک کند و این غذای جانشینی است. و خداوند نیز می فرماید: که غذای جانشین فاطمه زهراء (علیها السلام) به جای شیر، علم است. - فاطمة الزهراء، من المهد الى اللحد. -

۲۲- مائده / ۷، اعراف / ۱۴۷ - ریحانه خانه وحی.

۲۳- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۸

فصل دوم از کتاب: الگوهای رفتاری حضرت زهرا (سلام الله علیها) نوشته حلیمه صفری